

گفتی در داستان فرود

مطالعه داستان فرود سبب شد که نگارنده این سطور یادداشت‌هایی پیرامون این متن ارجمند فراهم آورد. این روزها فرصتی پیش آمد و دیدار با مصحح دانشمند آن - آقای دکتر محمد روشن - دست داد. این دیدار باعث شد تا آقای دکتر روشن از برخی نظرهای نگارنده آگاه شوند و آنها را بشنوند. این گفتار به اشاره ایشان بر اساس گزیده همان یادداشت‌ها نوشته می‌شود اگر چه ایشان با بسیاری از سخنان اینجانب موافقت تمام ندارند. لازم به یادآوری است که نگارش این مقاله از روی خرده گیری و ... نبوده است و تنها هدف بررسی منصفانه متن پیشنهادی بنیاد شاهنامه (با نام مؤسسه تحقیقات فرهنگی) است. پیشاپیش از دانشمند محترم به خاطر جسارت خویش پوزش می‌خواهم.

الف - پیشگفتار

پیشگفتار داستان فرود از دو جزء اساسی تشکیل شده است.

- ۱) مقدمه استاد مجتبی مینوی که کاملاً با چاپ دوم کتاب بی ارتباط است و فقط یادداشتی بر چاپ نخستین آن بوده است.
- ۲) مقدمه مصحح: مقدمه داستان فرود بر خلاف پیشگفتار سایر متون تحقیقی و مصحح نارسا و بدون هیچ مطلب تازه ای است. در آغاز آن داستان فرود به تفصیل ولی به نثر بازنویسه شده است که

□ جویا جهانبخش □

بررسی متن انتقادی: داستان فرود، به تصحیح دکتر محمد روشن، ۱۳۶۹ (چاپ دوم)، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

مقاله حاضر، نوشته نوجوانی است که سن او از ۱۶ سال نمی‌گذرد و امسال به کلاس اول دبیرستان وارد شده است؛ اما با خواندن مقاله، تصدیق خواهید فرمود که ره صد ساله را یکشبه پیموده. چنین گرمپویی در عرصه ادب، بسیار خجسته است. آنهم در روزگاری که «ادبیات» در بازار «عرضه»ی علوم و معارف نان و آبدار، بسیار بی «تقاضا»؛ یا «کم تقاضا»ست. توفیق روزافزون این محقق شگرف و نوجوان را از خداوند خواستاریم.

خواننده آشنای به شاهنامه را یادکردی چنین طولانی نه تنها سودی نمی‌رساند بلکه می‌آزارد.

سپس یادداشتی قرار گرفته است - تقریباً به اندازه يك صفحه متن - که شامل یادکردی از چاپ نخست و فهرست - ظاهراً فهرست اعتباری - دستنویس های استفاده شده است. یادداشت حاضر بزرگترین عیب این کتاب است. سخن از نسخه شناسی و ویژگی های دستنویس ها اینکه ویراستار چه راهی را در تصحیح متن پیش گرفته است و چرا از این روش سود جسته است، سخن از سبب انتخاب فهرست اعتباری دستنویس ها به گونه یاد شده، سخن از منابع فرعی تصحیح متن، سخن از اعتبار اساس تصحیح نسبت به دیگر نسخه ها و ... همه و همه

به نام خداوند جان و خرد

«داستان فرود» نخستین بار به سال ۱۳۵۴ هـ. ش از سوی بنیاد شاهنامه فردوسی زیر نظر استاد مجتبی مینوی و به تصحیح آقای محمد روشن منتشر شد. این چاپ که به هیچ روی شباهتی به يك متن تحقیقی و علمی - انتقادی نداشت به گونه ای ناقص و نه آنچنان که باید و شاید به دست شهنامه دوستان رسید.

پس از سالها به مناسبت «هزاره تدوین شاهنامه» به سال ۱۳۶۹ این داستان به ظاهری بهتر و آراسته تر از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی - ظاهراً به شتاب و بی حوصلگی تمام تجدید چاپ شد.

«هیچیک» از دستنویس های شاهنامه که مورد بررسی این جانب و آقای روشن قرار گرفته اند؛ در مورد توالی با نسخه اساس ایشان سازگاری ندارند و از سوی دیگر «همگی» - بنابر نسخه بدل های خود ایشان - با هم سازگار و همخوان هستند!

برای نمونه مصحح دانشمند نبودن پنج بیت از متن اساس را که بسیار بی مایه نیز هستند در همه دستنویس های به کار رفته خود به چیزی نمی گیرد و همچنان آنها را چون تنها در نسخه اساس ایشان و نه هیچ شاهنامه خطی و چاپی در دسترس، آمده است در متن به عنوان بیت اصیل و نه حتی مشکوک حفظ می کند. این ابیات حتی در شاهنامه چاپ ژ. مول هم که در بسیاری موارد با نسخه اساس ایشان سازگار است، نیامده است. (این ابیات، ابیات ۴۸ تا ۵۲ بنا بر متن مصحح آقای دکتر روشن هستند).

در میان ابیات ۸۴ تا ۱۱۲ (بنا بر متن مصحح ایشان) افزون بر ده بیت در هشت دستنویس غیر از نسخه اساس ایشان (یعنی در همه نسخه های غیر اساس که ایشان بکار برده اند) در مکانی غیر از جای این ابیات در متن نسخه اساس (= متن آقای روشن) آمده است اما ایشان این جابجایی را به چیزی نگرفته اند.

لازم به یادآوری است که

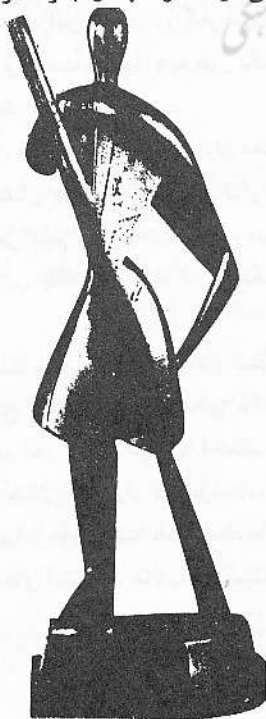
-اولاً یادکردن واژه «همه نسخ» دقیقاً «همه نسخ» را در

بر می گیرد نه اکثریت آنها را

-ثانیاً تأکید بر همه نسخ، نشان اعتقاد به تصحیح کمی متن

نیست بلکه اهمیت دادن به تبار نسخه های شاهنامه را نشان می دهد که متأسفانه در متن آراسته آقای دکتر روشن خبری از آن نیست.

نسخه هایی که ایشان از شاهنامه به کار گرفته اند، برخی به دو تبار اساسی باز می گردند و برخی حاصل آمیزش دو تبارند. حال آیا می توان گفت رونویسگران شاهنامه، در دو سه تبار بی ارتباط یا کم ارتباط، همگی در همه زمانها و تبارها در متن به طور یکسان



به دست فراموشی سپرده شده اند و خواننده علاقمند به شاهنامه در این میان تشنه دانستن، سرگردان می شود.

مقدمه یاد شده روی هم رفته شباهت بسیاری به مقدمه داستان رستم و سهراب ویراسته استاد مجتبی مینوی دارد و ظاهراً به تقلید آن نوشته و آراسته شده است.

ب - متن :

متن داستان فرود با احتیاط کامل و وسواس (شاید وسواس بیش از حد) به پیروی از دستنویس شاهنامه کتابخانه موزه بریتانیا مورخ ۶۷۵ - که بالنسبه بهترین نسخه موجود از شاهنامه است - آراسته شده است اما به گمان نگارنده همین احتیاط بیش از حد باعث شده - و می شود - که خواننده هیچگاه از متن دستنویس شاهنامه مورخ ۶۷۵ فراتر نرود.

شاهنامه محفوظ در موزه بریتانیا مورخ ۶۷۵ نسخه خوب و نسبتاً صحیحی است ولی نه آنقدر که در افزون بر پانصد بیت - یعنی همین متن داستان فرود - کمتر از شمار انگشتان دست، نادرستی شایسته تصحیح داشته باشد (چنانکه مصحح دانشمند متن، عمل کرده اند).

اگر تصحیح شاهنامه بدینصورت به پیروی همراه با وسواس از نسخه اساس، تبدیل شود؛ متأسفانه باید گفت که : یک چاپ عکسی از دستنویس مذکور، به علاوه یک جزوه حاوی همان تصحیحات معدود (!؟)، عملاً بهتر از متن حاضر، به کار شاهنامه دوستان می آمد.

شاید همانطور که برخی از مصححان همکار دکتر روشن می گویند ایشان خواننده را دست کم از گفتار فردوسی دور نکرده اند اما آیا به راستی هدف تصحیح متن این است که « دست کم خواننده را از متن اساس دور نکنند » ؟

به گمان نگارنده این سطور بزرگترین مشکل متن دستنویس مورخ ۶۷۵ [= نسخه اساس] در داستان فرود، نادرستی توالی بیت هاست. ناهمخوانی توالی ابیات در دستنویس بریتانیا مورخ ۶۷۵ تقریباً در همه جای شاهنامه، دیده می شود ولی دست کم در این داستان

دست برده اند و تنها دستنویس دست نخورده، نسخه اساس تصحیح حاضر است؟ پس باید باور کرد که وقتی يك كاتب به نسخه ای از شاهنامه دستبرد می زند، این دستبرد امکان ورود به تبار این نسخه و تبارهای نزدیکش را دارد اما همه تبارها را در بر نمی گیرد. بر همین اساس است که الحاقات بسیار کهنه متن شاهنامه به خوبی شناخته می شوند. « همه » نسخه های دو، سه تبار شاهنامه، چه آنها که خویشاوند دستنویس مورخ ۶۷۵ هستند و چه آنها که با دستنویس طویقاپوسرا مورخ ۷۳۱ خویشاوند می باشند، همه و همه همراه با چاپهای بازاری و مول، نظر مارا تأیید می کنند.

دستنویس موزه بریتانیا در افزودن و کاستن و جایجایی ابیات در شاهنامه با سابقه است ولی حتی نزدیکترین نسخ به آن یعنی نسخه قاهره و نسخه دیگری از حوزه بریتانیا مورخ ۸۴۱ (با رمزهای : قاومب) نیز بانظر ما همخوانی دارند.

در متن ایشان می خوانیم :

بیت ۴۲ : به راه بیابان نباید شدن نه نیکو بود راه شیران زدن
این بیت طبق معمول بی هیچ کم و کاست بنا بر دستنویس
اساس ایشان گزارش شده است؛ در مقابل در همه دستنویس های دیگری
که به کار برده اند مصراع دوم چنین آمده است :
« نه نیکو بود چنگ شیر آزدن » که صحیح و بی هیچ عیب و
نقصی است .

آزدن واژه شاهنامه ای است و بارها در آن و متون روزگار
فردوسی کاربرد داشته است مانند :

به داغی جگرشان کنی آزده که بخشایش آرد بر ایشان دده
(شاهنامه / ۱۰۶/۱)

یا : ز مردم شمار از ز دام و دده دلی کو نباشد به درد آزده
(همانجا / ۲۷۷/۵)

نیز ر.ك. ویس و رامین (۳۴۰ - ۵)
كثرت کاربرد این واژه در روزگار فردوسی و دشواری آن و
اینکه در همه نسخ و « همه تبارها » به طور یکسان آمده است نشان
می دهد که این ضبط اصل و ارجح است .

گر چه برای ضبط متن ایشان می توان معنی تراشید ولی با این
همه نزدیک ترین گمان این است که وقتی قرار نیست « کسی را راه
بز نیم » (= قطع طریق کنیم) چنین ضبطی چه وجهی دارد ؟ قرار نیست
جلوی کسی گرفته شود بلکه قرار است که « چنگ شیر آزده شود » .
بیت ۱۴۴ :

درفش گرازه ست پیکر گراز سپاهی کمند افکن و رزمساز
« همه نسخ » غیر از نسخه اساس دکترروشن ، مصراع دوم
را « که بزمان سپهر اندر آرد به گاز » با اختلاف در نقطه گذاری آورده
اند . این ضبط با معنی ، دشوار ، قابل ساده شدن ، با سابقه در
شاهنامه و متون کهن و مورد تأیید همه نسخه های معتبر ؛ بکار رفته
است و نیز در چاپ های تحقیقی . حال باید پرسید: پیروی از ضبط ساده
منفرد دستخورده ، چه فایده ای داشته است که ایشان آنرا اختیار فرموده
اند ؟



داستان فردو از شاهنامه فردوسی

بر اساس تصحیح بنیاد شاهنامه فردوسی

مصنوع محمود روشن

مقدمه از استاد محبتی یونی

نظر
تعمیر و تکمیل

بیت ۲۳۱ :

که خود کامه مردیست بی تار و پود کسی دیگر آید نیارد درود
در نسخه بدل ها « همه نسخ » دیگر ، در مصراع دوم به جای
نیارد آورده اند « نباشد » که در فارسی محاوره امروز معنی درستی
ندارد . اما آشنایی با کاربرد کهنه و نسبتاً فراموش شده « رود » و
« درود بودن » سبب می شود که بی شك مصراع دوم را طبق نسخه بدل
تصحیح کنیم . اینجا درود در کاربرد کهنه خود به کار رفته است .
معنی مصراع چنین است : « اگر کسی دیگر (= غیر از من) بیاید ،
سلامتی و شادکامی و خوشبختی تو به پایان می رسد (= درود در کار
نیست) » .

این واژه علاوه بر این که معنی صحیح دارد خوشبختانه در همه
نسخه های دیگر نیز آمده است . کاربردی دشوارتر و کهن تر است که
حتی نسخه های خویشاوند به اساس تصحیح آقای روشن نیز آنرا حفظ
کرده اند . (درباره درود ر.ك. آینده ، سال ۱۷ ، صفحه ۴۵۹)

« نیارد درود » از « درود آوردن » نیز يك فعل صحیح است
و در شاهنامه کاربرد دارد اما این کاربرد دیگر اصیل تر است و
« همه نسخ شاهنامه آنرا حفظ کرده اند » .

بیت ۴۱۲ :

فرستاد و مرگستهم را بخواند بسی داستانهای نیکو براند
در اینجا گیبو گستهم را می خواند تا از جوانی و خیره سری
بیون که به تیغ کوه می رود سخن بگوید . عبارت مصراع دوم برای این
مطلب نارساست . « داستان نیکو » چگونه داستانی است ؟ در حالی

ج - تفصیل نسخه بدل ها :

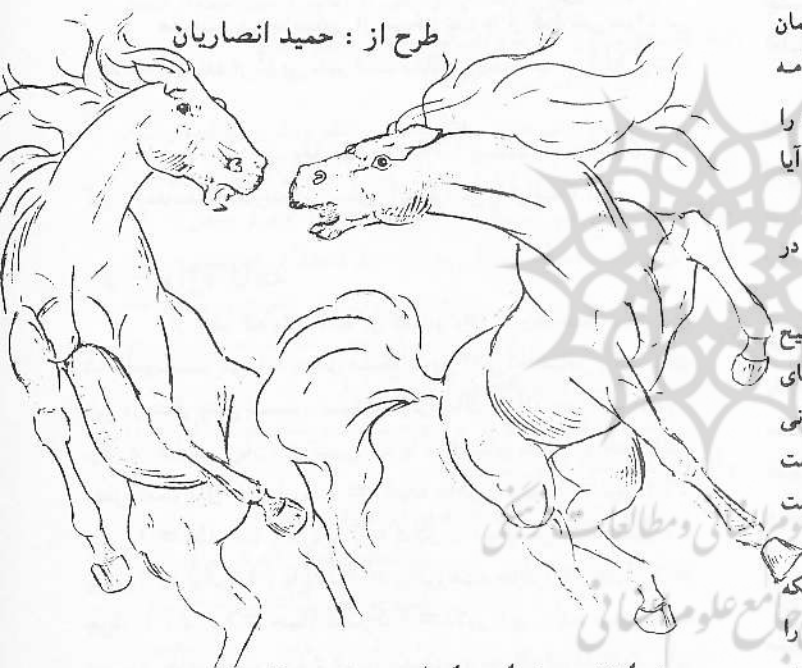
تفصیل نسخه بدل ها در این دفتر بر خلاف دفترهای دیگر بنیاد شاهنامه چندان آشفته است که تقریباً جز سردرگمی خواننده تأثیری بر جای نمی گذارد !

گاهی نوشته اند در فلان سه نسخه بهمان ضبط آمده است اماً صرفاً ضبط دو نسخه را گزارش کرده اند (مثل بیت ۳۴ نسخه در نسخه بدل ها) .

گاهی خواننده گنج و سردرگم می ماند که منظور گزارشگر چیست مثلاً نوشته اند :

« عنوان در نسخه ها نیامده و در هند و فل » .

اگر عنوان در هند و فل آمده است ، پس چرا فعلش حذف شده و اگر نیامده است مگر هند و فل جزء نسخه ها نیستند ؟ (چه نیازی به یادآوری مجدد است ؟) .



طرح از : حمید انصاریان

در صفحه ۳۸ در حاشیه نسخه بدل بیت ۲۷ چنین آمده است :

« قا و ط و ... و فل ، این بیت را ندارد »

و سپس رمزهایی نشان داده اند که خواننده از آنها آگاهی ندارد :

« ۲ ف ۱۰۲ س ۳ نسخه ... » (۱۴)

گاهی برای يك نسخه در يك مصراع در دو دفعه دو اختلاف (نسخه بدل) متفاوت ذکر شده است مثل نسخه بدل های بیت ۱۸۹ دربارۀ نسخه هند .

نیز مکرر پیش می آید که میان نسخه بدل داده شده با متن تفاوتی وجود ندارد مثل بیت ۱۸۵ که در متن آمده است : « منهای دست » و آنگاه در نسخه بدل ها هم مرقوم فرموده اند :

« ط ، فل ، هند ... منهای دست ؛ قب : ... منهای دست »

(ضمناً ضبط قب باط و فل و هند هیچ فرقی ندارد ولی با اینهمه جداگانه آمده است . چرا ؟)

که گیسو از جوانی بیژن داستان می گوید . طبق نسخه بدل ها ، همه نسخ (بی کم و کاست) طبق نظر ما آورده اند : « بسی داستان جوانی براند » و همین درست است .

(لازم به یادآوری است که تکیه بر همه نسخ دیگر یا بر منطق داستانی ، نشانه عمل به روش التقاطی و یا ذوقی و ... نیست بلکه در این یادداشت ها - چنانکه دیده می شود - معیار های ما : سازگاری متن ، کهنگی ضبط ، سابقه آن در شاهنامه و یا متون کهن هم روزگار فردوسی است و نیز گواهی همه نسخه های بررسی شده به طوری که حتی یکی از آنها با متن دستنویس موزه بریتانیا مورخ ۶۷۵ مطابق نباشد) .

بیت ۲۱۷ : اینکه رونویسگران شاهنامه با آشنایی با الفبای

زبان فردوسی به کهنه جلوه دادن مجعولات و بر ساخته های خویش می پرداخته اند مسلم است مثل به کار رفتن : ایا ، ابر ، و ... در ابیات الحاقی نسخ بسیار متأخر ؛ با اینهمه در جایی که يك نسخه ، ضبط ساده ای دارد و همه نسخ در « تبارهای گوناگون » در يك ضبط دشوار همخوانی دارند ، اثبات می شود که ضبط دشوار صرفاً به وسیله همان کاتب نسخه < ساده شده است گر چه ضبط ساده هم در شاهنامه کاربرد داشته باشد . مثل این بیت که اساس در آن واژه « اینجا » را آورده است و همه نسخ دیگر در تبارهای مختلف « ایدر » دارند . آیا همخوانی تبارها در ضبط دشوار کثیر النظیر ، کافی نیست ؟

(بحث بر سر واژگان پرکاربرد از این دست را در شاهنامه ، در

گفتاری دیگر پی خواهیم گرفت) .

یادآوری : در مقابله « داستان فرود » و شاهنامه تصحیح زول . مول معلوم می شود که هر جا نسخه بریتانیا دارای ضبط های دشوار منفرد و تک بیت مشکوک است معمولاً با چاپ مول همخوانی می کند و می دانیم که اساس چاپ مول ، دستنویس پاریس بوده است حال آیا جای آن نداشت که این نسخه که در بنیاد شاهنامه موجود است با متن حاضر مقابله می شد ؟

این نسخه نه چندان متأخر حداقل دو فایده دارد : اول آنکه برخی ضبط های کهنه یا دشوار مانند ترسش و شاخ (= نژاد) و ... را به کار برده است دوم آنکه وقتی با نسخه ۶۷۵ هـ.ق سازگار است در تصحیح بهتر نسخه ، به کار می آید . نیز متن داستان فرود دارای جواشی و پاروقی هایی است که اندکی آشفته به نظر می رسد و معمولاً توضیح ابیات یا عباراتی را که نیازی به توضیح ندارد شامل است مثلاً توضیح مصراع یکم بیت ۵۱۵ (کشنده ی سیاوش چاکر نبود ...) و یا مصراع دوم بیت ۵۸ (... اگر گرد عنبر دهد ، باد ، مشک) و ... که فاقد هر گونه دشواری و پیچش و بی نیاز از توضیح می باشند . همچنین در حاشیه بیت ۴۷۶ نوشته اند که در نسخه اساس (بم) قبل از « تفت » ، (و) می آید و درباره آن در واژه نامه بحث خواهیم کرد و در واژه نامه ، ذیل « تفت » نوشته اند :

« فعل از تفتن ، در نسخه اساس ما پس از فعلی با واو می آید

: ب ۴۷۶ »

یعنی توضیحی به گفته پیشین خود نیفزوده اند .

نشوند [در بخش « گ » واژه نامه، گل نهادن بر آتش کسی (به جای تیز!) آمده است]
نیز نوشته اند :

« بی گیار ، بی گیار (؟) : شتابان ، بی درنگ : بیت ۱۵۷ »
واژه بی گیار و صورت دیگر آن بی گیار آنقدر در دستنویس های شاهنامه آمده است که سبب شك و تردید آوردن علامت سوال (؟) معلوم نشد. بی گیار و بی گیار دو صورت از يك واژه اند که همواره کاربرد داشته اند . شاید « بی گیار » همان « بی گذار » و « بی گذار » باشد که امروزه در کاربرد کنایی « بی گذار به آب زدن » به کار می رود (نگارنده در این زمینه که اصل بی گیار چه بوده است دارای صلاحیت اظهار نظر نیست) . بررسی سایر واژگان این جزء شاهنامه به دانشمندان و خوانندگان واگذاشته می شود تا از زیاد شدن حجم مقاله پرهیز گردد.

هـ (نادرستی های چاپی

نادرستی های چاپی کتاب حاضر متأسفانه اندک نیست و چشمگیر می باشد که البته در این مورد با سایر کتابهای مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی سازگاری دارد !

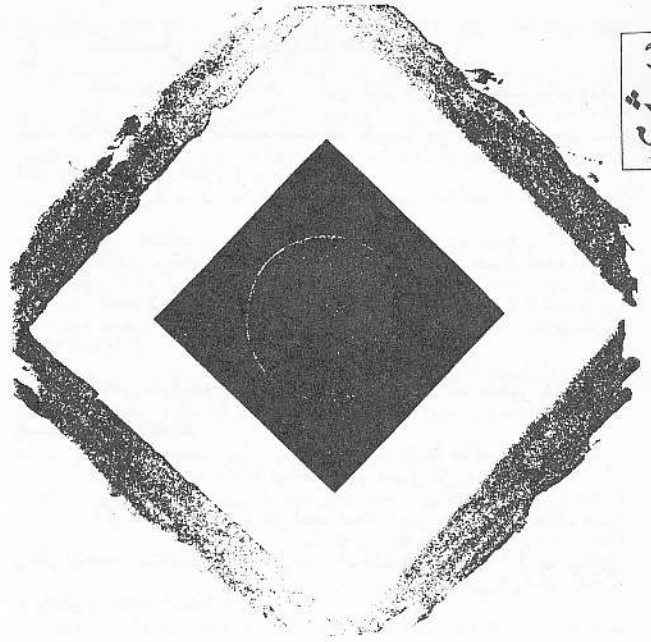
متن نسخه بدل ها بیشترین میزان نادرستی را دارد ولی متن اصلی کتاب (داستان) نیز دست کمی از آن در بی دقتی ویرایش و ... ندارد مثلاً در مصراع یکم بیت ۳۲۹ می خوانیم : « و دیگر که باشد مرا او را زمان که ظاهراً ... مرا او را زمان » بوده است یا « تازه بودن » در واژه نامه « تازه بردن » نوشته شده است .

از ناشر دولتی در چنین کتاب هایی انتظار می رود که پیش از انتشار به بازخوانی متن همت گمارد و از چنین سهل انگاری ها آنهم در يك متن تحقیقی مثل متن انتقادی شاهنامه فردوسی به آسانی نگذرد که حتماً هم مؤلف یا مصحح را چرکین دل می کند و هم خواننده را آزرده خاطر .

« سخن پایانی » :

داستان فرود که بدین شیوه تهیه شده است گر چه کاستی هایی دارد و از نادرستی ها پیراسته نیست ولی بدون در نظر گرفتن اشکالات مربوط به شیوه تصحیح و چاپ آن ، متنی درخور نگرستان و چند بار خواندن است . مسلم آنست که سخن از نادرستی های آن در این گفتار بر پایه پندارهای نگارنده است که به هیچ وجه از خطا مصون نیست . به همین سبب از آقای دکتر روشن مصحح محترم متن خواهشمندم اگر در سخنان نگارنده ، لغزشی یافتند ، به دیده اغماض بنگرند .

والسلام علی من اتبع الهدی



همچنین در جایهایی از نسخه بدل ها از گزارشی سراغ می دهند که خواننده از آن بی خبر است مثلاً در یادداشت ب ۱۴۹ نوشته اند:

« ط ، هند ، ... و فل بیت را ندارد ! پیشتر آمده » . کجا ؟ کی ؟ (متأسفانه نگارنده این سطور این گزارش را نیافت) .

د - واژه نامه

از آنجا که واژه نامه این کتاب واژه غما و فرهنگ بسامدی شاهنامه نیست پس باید به حل مشکلات واژگانی اختصاص یافته باشد ولی در عمل چنین نیست . بسیاری از ترکیبات و واژه های معنی شده ، برای هر فارسی زبان و هرکسی که با « الفبای متون » آشنا باشد معلوم است مثل : دل آزرده (= رنجیده خاطر) ، بیم (= ترس !) ، پیروز (= مظفر !) ، تازیانه (= شلاق) ، چاپلوس (= متملق) ، چاکر (= نوکر !) ، داغ دل (= برافروخته خاطر !) ، شبان (= چوپان) ، شرم (= حیاء) شیردل (= دلور) و ... که هیچکدام نه تعبیری خاص است و نه ترکیبی مهجور و نه واژه ای نا آشنا . برای نمونه دو واژه شاهنامه را نیز که مورد بحث قرار داده اند می آورم :

« آتش تیز : آتش فروزان و مشتعل : ب ۳۱۴ »
اولاً آتش تیز دقیقاً آتش زبانه کش است اما آتش فروزان مشتعل در محاوره امروز آتشی است که صرفاً دارای شعله باشدوس . ثانیاً آتش تیز يك کاربرد کنایی در اینجا به معنی پرخاشگر و حمله برنده است . آیا در این موارد که واژه به بیستی ارجاع داده می شود نباید معنی در همان بیت و یا ذکر کنایه مربوط به آن - که در شاهنامه فراوان است - مورد نظر باشد ؟

ثالثاً بیت ۳۱۴ را چنانکه آمده می آوریم :

به جنگ اندرون مرد را دل دهند نه بر آتش تیز بر گل نهند
بحث بر سر آتش تیز نیست بلکه يك ترکیب کنایی آمده است : « گل نهادن بر آتش تیز » و شایسته است اجزای آن تجزیه و جدا